

جعفر بن ابی طالب در طبقات ابن سعد

خدیدجه کیهانی^۱
زهرا مهرجویی^۲

چکیده

جعفر بن ابی طالب، از صحابه برجسته پیامبر اسلام (ص) و پسرعموی ایشان، نزد رسول خدا(ص) جایگاهی ممتاز داشت. در منابع تاریخی و حدیثی، اعم از متقدم و متأخر، جنبه‌های مختلف شخصیتی و زندگی او در قالب روایات و گزارش‌ها مطرح شده است. بررسی این شخصیت از آن جهت اهمیت دارد که جایگاه معنوی او نزد پیامبر (ص) و ابعاد الگووار شخصیت او، همواره الهام‌بخش جامعه اسلامی بوده است. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای، روایات مرتبط با جعفر بن ابی طالب در کتاب الطبقات الکبری اثر ابن سعد را بررسی و ابعاد گوناگون مطرح شده درباره این صحابی بزرگ را استخراج کرده است. همچنین، نحوه معرفی جعفر بن ابی طالب توسط ابن سعد و تفاوت‌های آن با منابع تاریخی و حدیثی شیعه و اهل سنت تحلیل شده است. ابن سعد در اثر خود، از طریق ۴۰ روایت، فضایل اخلاقی فردی و اجتماعی جعفر را به تصویر کشیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با وجود برخی احادیث منحصر به فرد در کتاب الطبقات الکبری، برخی فضایل برجسته این صحابی در این اثر نادیده گرفته شده است. از جمله این موارد می‌توان به شجاعت جعفر در نبرد موه، چگونگی دفن او، شأن نزول آیه ۱۹ سوره حدید، نماز مشهور او، و دفاع از حقانیت اسلام در هجرت به حبشه اشاره کرد که در منابع دیگر ذکر شده‌اند اما ابن سعد به آن‌ها نپرداخته است.

۱. دانشجوی حوزوی سطح ۳ رشته تاریخ اهل بیت(ع)، جامعه الزهرا(س) khdiijlor@gmail.com
۲. استاد حوزة و دانشگاه؛ شورای انجمن علمی پژوهشی تاریخ جامعه الزهرا(س)،
zohor_maher@yahoo.com

واژگان کلیدی:

ابن سعد، الطبقات الکبری، جعفر بن ابی طالب، ذوالجناحین

۱. مقدمه

از دیرباز، پرداختن به شرح حال و معرفی شخصیت‌ها و اصحاب، همواره مورد توجه تاریخ‌نگاران بوده است. محمد بن سعد بغدادی، معروف به «کاتب واقدی»، از نخستین طبقات‌نویسانی است که کتاب او، الطبقات الکبری، تا امروز مورد استفاده پژوهشگران قرار دارد. قدمت و شهرت این اثر، آن را به یکی از منابع مهم در حوزه صحابه‌نگاری تبدیل کرده است. ابن سعد در این کتاب با نقل روایات متعدد، به معرفی ویژگی‌های شخصیتی اصحاب و بزرگان صدر اسلام، از جمله جعفر بن ابی طالب، پرداخته است.

جعفر بن ابی طالب به دلیل برخورداری از سجایای اخلاقی برجسته، جایگاهی ویژه در میان اصحاب پیامبر اسلام (ص) داشت. سبقت در اسلام آوردن، فداکاری در هجرت به حبشه، سخنگویی مسلمانان مهاجر در دربار نجاشی، و دفاع قاطعانه از حقانیت اسلام در برابر نجاشی و اسقف‌های حبشه، از جمله ویژگی‌های برجسته این شخصیت بزرگ است. با این حال، کم‌توجهی به معرفی جامع جعفر بن ابی طالب در برخی منابع تاریخی اولیه ممکن است دلایل متعددی داشته باشد؛ از جمله ممنوعیت نگارش حدیث در قرن اول، بی‌توجهی برخی تراجم‌نویسان به افرادی که پیش از رحلت پیامبر (ص) از دنیا رفته بودند، و یا حتی بغض و کینه نسبت به بنی‌هاشم و فرزندان ابی طالب.

پژوهش حاضر با هدف بررسی روایات موجود در کتاب الطبقات الکبری درباره جعفر بن ابی طالب و تحلیل نحوه معرفی او توسط مؤلف انجام شده است. همچنین، میزان توجه ابن سعد به جنبه‌های مختلف شخصیتی این صحابی برجسته مورد ارزیابی قرار گرفته است. از آنجایی که جعفر بن ابی طالب از بزرگ‌ترین صحابه پیامبر (ص) بود و جایگاهی خاص نزد ایشان داشت، معرفی جنبه‌های مختلف شخصیت او می‌تواند به عنوان الگویی تربیتی برای نسل‌های جوان مطرح شود. سؤال اصلی پژوهش این است که ابن سعد چگونه ابعاد شخصیتی جعفر بن ابی طالب را ارائه کرده و چه نقاط قوت و کاستی‌هایی در این دیدگاه وجود دارد.

بررسی روایات ابن سعد نشان می‌دهد که مؤلف با استناد به منابع متعدد، به شرح برخی ابعاد شخصیتی جعفر بن ابی طالب پرداخته است؛ از جمله مقام و منزلت او پس از شهادت و فضایل

اخلاقی‌اش. با این حال، به برخی جنبه‌های دیگر، مانند شجاعت و مردانگی او در جنگ موته یا نماز منسوب به جعفر، هیچ اشاره‌ای نکرده است. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در عصر حاضر، مقالات متعددی درباره جعفر بن ابی‌طالب نگاشته شده است. برای نمونه، مدخلی در جلد دهم دانشنامه حج و حرمین شریفین به قلم جعفر بن ادريس قزوینی و مدخلی در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام به نگارش عودی ستار، صرفاً به بیان توصیفی مطالب تاریخی درباره نسب جعفر، هجرت او به حبشه، و فرماندهی‌اش در جنگ موته پرداخته‌اند. همچنین، مقاله‌ای پژوهشی با عنوان واکاوی چرایی همتایی حمزه و جعفر بن ابی‌طالب در روایات اهل بیت (ع) نوشته هادی یعقوب‌زاده و صفری فروشانی، به شباهت‌های این دو شخصیت و بررسی پیامدهای احتمالی حضور آنان پس از رحلت پیامبر (ص) اختصاص دارد. پژوهش حاضر اما به‌طور اختصاصی به روایات کتاب الطبقات الکبری می‌پردازد و داده‌های تاریخی این اثر را درباره جعفر بن ابی‌طالب تحلیل و ارزیابی می‌کند.

۲. جایگاه طبقات ابن سعد در تاریخ‌نگاری اسلامی

محمد بن سعد بن منیع، مشهور به ابن سعد، از مهم‌ترین تاریخ‌نگاران اسلامی است. وی در سال ۱۶۸ق در بصره متولد شد و در مدرسه علمیة این شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. بعدها به درخواست استادش، واقدی، به بغداد مهاجرت کرد و به‌عنوان کاتب او مشغول شد (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۰۰). ابن سعد، همانند بسیاری از علمای کوفه و بصره، این شهر را ترک کرده و به بغداد رفت. در بغداد، نزد واقدی به تحصیل و پژوهش پرداخت و از عالمان برجسته سه دهه نخست قرن سوم هجری گردید.

وی، همانند بسیاری از مورخان و محدثان، مورد ستایش و انتقاد قرار گرفته است. ابی‌حاتم رازی و احمد بن حنبل او را تصدیق کرده‌اند (رازی، ۱۲۷۱ق، ج ۷، ص ۲۶۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۶۴)، در حالی که یحیی بن معین وی را تکذیب کرده است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۵۶۰). ابن سعد در زمان مأمون، هنگامی که خلیفه اعلام کرد همگان باید به مسئله خلق قرآن اعتراف کنند، از این عقیده سر باز زد (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۷۲). بسیاری از عالمان برجسته اسلامی مانند خطیب بغدادی و ابن ندیم، ابن سعد را عالمی برجسته در علم حدیث و اخبار صحابه و تابعین معرفی کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵). ذهبی از قول ابوحاتم، ابن سعد را راستگو دانسته و خطیب بغدادی نیز تلاش کرده است انتقادهای یحیی بن معین را به

واقعی نسبت دهد و ابن سعد را قابل اعتماد معرفی کند (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۰۶). مشهورترین اثر ابن سعد، طبقات الکبری، یک موسوعه تاریخی ارزشمند است که حاجی خلیفه آن را بزرگ‌ترین کتاب در موضوع طبقات روات دانسته است (حاجی خلیفه، ۱۰۶۷ق، ج ۲، ص ۱۰۹۹). این اثر نه تنها مرجع اصلی برای شناخت طبقات روات، بلکه یکی از قوی‌ترین کتاب‌های تاریخی است که در قرن سوم هجری نگاشته شده است. این کتاب اطلاعات گسترده‌ای درباره صحابه، تابعین و علمای اسلامی تا زمان مؤلف ارائه می‌دهد. ابن سعد در شرح حال‌ها ابتدا به نسب افراد اشاره کرده و سپس اطلاعاتی درباره ویژگی‌های ظاهری، هیکل، و حتی پوشش آن‌ها ارائه می‌دهد. این جزئیات در منابع دیگر کمتر به چشم می‌خورد و از این جهت کتاب وی اهمیت ویژه‌ای دارد. کهن‌ترین اطلاعات مربوط به شمائل پیامبر (ص) و صحابه در این اثر یافت می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۳ش، ص ۹۵).

طبقات الکبری ابتدا به دست مستشرقین در بیروت منتشر شد و سپس در مصر به چاپ رسید (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴). سبک ابن سعد به دلیل توجه به ذکر اسناد و ارائه اخبار به صورت مسند، متأثر از شیوه‌های حدیثی است. از ویژگی‌های این کتاب، پرداختن به اطلاعات اجتماعی، مهاجرت قبایل و جایگاه افراد در شهرهای مختلف است. همچنین به مدح و ذم، و ثقه یا غیرثقه بودن عالمان و محدثان نیز پرداخته است (جعفریان، ۱۳۹۳ش، ص ۹۳). طبقات ابن سعد اثری بی‌بدیل در تاریخ‌نگاری اسلامی است که به لحاظ ارائه اطلاعات فردی و اجتماعی و ساختار رجالی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این کتاب مرجع اصلی برای شناخت قرن اول و دوم هجری به شمار می‌رود و همچنان از منابع کلیدی در مطالعات تاریخی و رجالی محسوب می‌شود.

۳. جعفر بن ابی طالب در صفحات تاریخ

جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب، فرزند فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بود (محمد بن حبیب، بی‌تا، ص ۴۵۷). همسر جعفر، أسماء بنت عمیس نام داشت و فرزندان به نام‌های عبدالله، عون و محمد از او به‌جا ماند (امین، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ابن کثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۹). در نقلی دیگر آمده است که جعفر صاحب هشت پسر بود: عبدالله، عون، محمد اکبر، محمد اصغر، حمید، حسین، عبدالله اصغر و عبدالله اکبر (ابن عنبه، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵).

جعفر به دلیل رسیدگی به نیازمندان و اطعام آنان به «ابوالمساکین» شهرت یافت (ابوالفرج، بی تا، ص ۲۵؛ ابن عنبه، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵). هجرت مسلمانان به حبشه به دستور پیامبر(ص) و به سرپرستی جعفر بن ابی طالب انجام شد. او به همراه همسرش به حبشه رفت و سه فرزندش نیز در همان سرزمین به دنیا آمدند (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۲۵). به همین دلیل، به جعفر «ذو الهجرتین» می گفتند (ابن عنبه، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵). هنگامی که مسلمانان به حبشه رسیدند، نجاشی، پادشاه حبشه، آنان را به حضور طلبید. در همان مجلس، نجاشی شهادتین گفت و مسلمان شد (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۷۷؛ ابن کثیر، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۴). گفته شده است که نجاشی پس از سخنان جعفر بن ابی طالب به اسلام گروید (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۷۲، ص ۱۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۸).

قریش برای بازگرداندن مسلمانان از حبشه، عمرو بن عاص و عبدالله بن مسعود یا به روایتی عماره بن ولید را با هدایایی نزد نجاشی فرستاد. اما جعفر بن ابی طالب، به عنوان سخنگوی مسلمانان، در مناظره‌ها مواضع اسلام را به خوبی بیان کرد. سخنان او چنان تأثیرگذار بود که نجاشی و اسقف‌های دربار را متقاعد کرد و نمایندگان قریش ناامید بازگشتند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۷۲، ص ۱۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۸).

جعفر و همراهانش در سال هفتم هجری از حبشه به مدینه بازگشتند و درست هم‌زمان با غزوه خیبر وارد مدینه شدند. او خانواده‌اش را در مدینه گذاشت و به سپاه پیامبر(ص) در خیبر پیوست (ابن هشام، بی تا، ج ۳، ص ۸۱۸؛ طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۴۹۴). در سال هشتم هجری، پیامبر(ص) جعفر را به غزوه موته فرستاد. او در این نبرد شرکت کرد و پس از قطع شدن هر دو دستش، به شهادت رسید. پیامبر(ص) فرمود: خداوند در بهشت به او دو بال عطا کرده است، از این رو به جعفر «ذوالجنحین» گفته می شود (ابن سعد، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۷۷).

جعفر، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه در یک قبر دفن شدند، اما محل دفن آن‌ها را مخفی کردند (ابن عنبه، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵). جعفر هنگام شهادت چهل و یک سال داشت (همان). پیامبر(ص) درباره او فرمود: در عالم رؤیا، جعفر مرا زیارت کرد، درحالی که میان فوجی از ملائکه بود و با دو بال پرواز می کرد. از این رو، او را «ذوالجنحین» و «الطیار» می خوانند. پیامبر(ص) از شهادت جعفر بسیار محزون شد (همان).

ابن سعد به نماز جعفر طیار و شأن نزول آیه ۱۹ سوره حدید که درباره حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب نازل شده است، اشاره نکرده است (ابن طاووس، بی تا، ص ۴۱۲).

۴. گونه شناسی روایات ابن سعد در باره جعفر بن ابی طالب

ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری نزدیک به ۴۰ روایت، با احتساب روایات تکراری، درباره ابعاد مختلف شخصیت جعفر بن ابی طالب آورده است. این روایات بر اساس موضوعات اصلی آن‌ها به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند:

- درباره نسب و جایگاه جعفر نزد رسول الله (ص): ۸ روایت (ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۴، ص ۲۵، ۳۰).
 درباره سجایای اخلاقی جعفر: ۹ روایت (ج ۱، ص ۹۷؛ ج ۴، ص ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱).
 درباره هجرت به حبشه: ۲ روایت (ج ۴، ص ۲۴؛ ج ۸، ص ۷۷).
 درباره جنگ موته و شهادت جعفر: ۱۲ روایت (ج ۱، ص ۹۷؛ ج ۲، ص ۹۷؛ ج ۳، ص ۳۴؛ ج ۴، ص ۲۸، ۲۹).
 درباره جایگاه والای جعفر پس از شهادت: ۵ روایت (ج ۱، ص ۹۷؛ ج ۴، ص ۲۸، ۲۹، ۳۰).

۴.۱. نسب جعفر و جایگاه او نزد رسول الله (ص)

ابن سعد درباره نسب جعفر بن ابی طالب و خانواده‌اش نقل می‌کند: "پدرش عبدمناف بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف قصی بن کلاب، مشهور به ابی طالب، و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بود. همسرش أسماء بنت عمیس و فرزندانش عبدالله، عون و محمد بودند. همچنین، برادران مادری او یحیی بن علی بن ابی طالب و محمد بن ابی بکر، فرزندان أسماء بنت عمیس الخثعمیه، بودند" (ابن سعد، بی تا، ج ۴، ص ۲۵).

ابن سعد روایت می‌کند که: هنگامی که جعفر از سفر حبشه بازگشت، رسول الله (ص) او را ملاقات کرد، پیشانی‌اش را بوسید و فرمود: «به کدام یک از این دو خوشحال باشم؟ به آمدن جعفر یا فتح خیبر» (همان، ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۴، ص ۲۶). او می‌افزاید "پیامبر (ص) برای جعفر و همراهانش که از حبشه بازگشتند، از غنائم خیبر سهمی در نظر گرفت" (همان، ج ۴، ص ۲۶). همچنین نقل می‌کند که: "رسول الله (ص) از خرمای خیبر سالی پنجاه کیلوگرم به جعفر عطا می‌کرد" (همان، ج ۴، ص ۳۰).

در مورد استقبال پیامبر (ص) و شادمانی ایشان از بازگشت جعفر، منابع تاریخی دیگری نیز با اندکی اختلاف به این واقعه اشاره کرده‌اند (ابن کثیر، بی تا، ج ۵، ص ۶۹؛ ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۱۵، ص ۷۲؛ مقریزی، بی تا، ص ۳۲۰). همچنین، درباره اختصاص بخشی از غنائم به جعفر و همراهانش که تازه از حبشه بازگشته بودند، منابعی مانند امتاع الاسماع مقریزی نیز به این

۱۰۳ جعفر بن ابی طالب در طبقات ابن سعد

موضوع پرداخته‌اند (مقریزی، بی تا، ص ۳۲۰). با این حال، اختصاص دادن سالی ۵۰ کیلوگرم از خرمای خیبر به جعفر از نقل‌های مختص ابن سعد است؛ زیرا این مطلب در منابع تاریخی دیگر یافت نشده است.

۲.۴. سجایای اخلاقی جعفر بن ابی طالب

جعفر بن ابی طالب دارای سجایا و فضایل اخلاقی برجسته‌ای بود. وی، با اینکه پیش از اسلام در محیط جاهلیت زندگی می‌کرد، همواره از رفتارها و منش‌های جاهلیت دوری می‌جست و هرگز به فسادها و بی‌بندوباری‌های رایج آن دوران آلوده نشد. ابن سعد در طبقات الکبری در ۹ روایت جداگانه به این سجایا اشاره کرده است. یکی از این موارد، تقدم جعفر بن ابی طالب در پذیرش اسلام است. ابن سعد نقل کرده که جعفر، پیش از هجرت به حبشه و پیش از ورود رسول الله (ص) به دار الأرقم مسلمان شد (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۷؛ همان، ج ۴، ص ۲۵). همچنین، برخی منابع دیگر، جعفر را سومین مسلمان می‌دانند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۷۲، ص ۱۲۷؛ ابن طاووس، بی تا، ص ۸۶).

ابن سعد به سخاوت و توجه جعفر به نیازمندان نیز پرداخته و می‌نویسد: جعفر بن ابی طالب بهترین مردم در رسیدگی به نیازمندان بود، تا جایی که آنها را به خانه خود دعوت می‌کرد و حتی اگر در خیک روغن چیزی نداشت، آن را تکان می‌داد تا با کمترین موجودی از مهمانان خود پذیرایی کند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۷؛ همان، ج ۴، ص ۲۵). برخی منابع دیگر، مانند مقاتل الطالبيين و عمده الطالب، به همین موضوع اشاره کرده و او را با لقب «ابوالمساکین» معرفی کرده‌اند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۵؛ ابن عنبه، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵). با این حال، به نظر می‌رسد ابن سعد نسبت به نقل این نوع روایات اهتمام کمتری داشته است. وی همچنین روایت کرده که جعفر بن ابی طالب به انجام احکام الهی، حتی مستحبات، مقید بود. به عنوان نمونه، جعفر انگشتر را در دست راست خود می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۷). این روایت مختص طبقات کبری است و در منابع دیگر نقل نشده است. چنین مواردی نشان می‌دهد که برخی احادیث پیرامون شخصیت جعفر، در منابع پسین حذف یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ابن سعد همچنین جعفر را در رعایت آداب شخصی، مانند پوشیدن لباس مجلسی، استفاده از عمامه و انتخاب مرکب، بعد از رسول الله (ص) برترین شخص می‌داند (همان، ص ۳۱). این روایت در کتاب عمده عیون صحاح الأخبار نیز آمده است (ابن بطریق، بی تا، ص ۴۰۹). او در سه روایت

دیگر به شباهت ظاهری و باطنی جعفر بن ابی طالب به رسول الله (ص) اشاره کرده است. رسول الله (ص) به جعفر فرمود: «تو شبیه‌ترین افراد از نظر روحی و جسمی به من هستی» (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۶؛ همان، ص ۲۷). روایت مشابهی در شرح الأخبار نیز ذکر شده است (ابن حیون، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۵۴۸).

۴.۳. هجرت به حبشه

هجرت مسلمانان به حبشه، برای رهایی از ظلم و ستم مشرکان مکه، یکی از حوادث مهم تاریخ اسلام است که در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول، یازده زن و مرد مسلمان و در مرحله دوم، ۸۳ نفر به دستور پیامبر (ص) و به سرپرستی جعفر بن ابی طالب، مخفیانه به حبشه مهاجرت کردند (پیشوایی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۶۰-۱۶۱). ابن سعد به اختصار روایت کرده که جعفر در این سفر همراه همسر خود بود و سه پسر به نام‌های عبدالله، محمد و عون داشت که همگی در حبشه متولد شدند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۴). او همچنین نقل کرده که وقتی کاروان مسلمانان به سرپرستی جعفر به حبشه رسیدند، نجاشی آنها را به حضور طلبید و پس از حمد و سپاس خداوند و گفتن شهادتین، اسلام آورد (همان، ج ۸، ص ۷۷).

با این حال، ابن سعد به جزئیات بیشتری از این واقعه، که در منابع دیگر ذکر شده، نپرداخته است. به عنوان نمونه، ذهبی نقل کرده که نجاشی مسلمانان را به حضور طلبید و آنها را بر روی خاک دید. نجاشی به جعفر گفت: «آیا تو را به خبری خوش بشارت دهم؟» و از پیروزی رسول الله (ص) بر دشمنانش خبر داد (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۳).

۴.۴ - جنگ موته و شهادت جعفر بن ابی طالب

جنگ موته در ۵ جمادی‌الاول سال هشتم هجری در نزدیکی شهر موته بین مسلمانان و سپاهی از امپراتوری روم شرقی رخ داد (ابن عتبه، بی تا، ص ۳۵). ابن سعد در چند روایت، وقوع این نبرد و شهادت جعفر بن ابی طالب را چنین نقل می‌کند:

رسول خدا (ص) لشکری را به فرماندهی زید بن حارثه به این جنگ فرستاد و فرمود: «اگر زید به شهادت رسید، پس فرمانده شما جعفر بن ابی طالب است و اگر او نیز به شهادت رسید، فرمانده شما عبدالله بن رواحه خواهد بود.» روایت می‌کند که در این هنگام جعفر برخاست و خطاب به رسول خدا (ص) گفت: «مگر من ترسو هستم که زید را بر من مقدم داشتی؟» پیامبر (ص) فرمود: «گذشت کن؛ تو نمی‌دانی کدامیک برای تو بهتر است» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق،

ج ۳، ص ۳۴). این روایت به‌طور کامل در تاریخ مدینه دمشق و أسد الغابۀ نیز آمده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۳۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۱).

ابن سعد در ادامه روایت می‌کند که در این نبرد، زید، جعفر، و عبدالله بن رواحه به شهادت رسیدند و پس از آنان، خالد بن ولید پرچم را به دست گرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۷؛ ج ۳، ص ۳۴). اما در منابع دیگری چنین نقل شده است که رسول خدا (ص) لشکری به فرماندهی جعفر بن ابی طالب به موته فرستاد و فرمود: «اگر جعفر به شهادت رسید، پس زید بن حارثه پرچم را به دست بگیرد و در صورتی که او شهید شد، عبدالله بن رواحه نبرد را ادامه بدهد» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۴۴).

ابن حیون نیز از قول امام علی (ع) نقل می‌کند که در جنگ موته، رسول خدا (ص) جعفر بن ابی طالب را به‌عنوان اولین فرمانده انتخاب کرد (ابن حیون، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰۷). مرحوم طبرسی در اعلام الوری هر دو قول را ذکر کرده است (طبرسی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰۲). شاید بتوان گفت که نوع نگرش فکری مؤلفان در نقل این واقعه بی‌تأثیر نبوده است؛ به‌ویژه آنجا که خالد بن ولید را فاتح جنگ معرفی می‌کنند، درحالی‌که به شهادت مورخان، این جنگ پیروزی به‌معنای واقعی برای مسلمانان به همراه نداشت.

ابن سعد همچنین روایتی درباره بعد عرفانی و دنیاگریزی جعفر نقل می‌کند: «وقتی جعفر بن ابی طالب پرچم جنگ را به دست گرفت، شیطان پیش او آمد و زندگی دنیا را برای او زیبا و مرگ را تلخ و ناگوار نشان داد. جعفر به او گفت: الان؟ درحالی‌که ایمان در قلب مؤمنین مستحکم شده است، تو مرا نسبت به دنیا ترغیب می‌کنی؟» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۸). این مطلب در منابع دیگری مانند البدایة و النهایة نیز نقل شده است (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۷).

۴. ۵. جایگاه والای جعفر بن ابی طالب پس از شهادت

شهادت یکی از درجات والای معنوی در اسلام است که آیات و روایات بسیاری به فضیلت و اهمیت آن اشاره کرده‌اند، از جمله آیه ۱۵۴ سوره بقره که درباره جاودانگی شهدا سخن می‌گوید. در همین راستا، جا دارد به روایات ابن سعد درباره جایگاه اخروی جعفر بن ابی طالب اشاره شود. ابن سعد با نقل چند روایت از پیامبر اکرم (ص) مقام و جایگاه اخروی جعفر را بازگو می‌کند. از جمله هنگامی که جعفر به شهادت رسید، رسول خدا (ص) بر او درود فرستاد و برای او دعا کرد و

فرمود: «برای برادران جعفر طلب مغفرت کنید؛ او شهید شده و جایگاه او در بهشت است، در حالی که دارای دو بال از یاقوت است و به هر جا بخواهد پرواز می‌کند» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۸؛ ج ۱، ص ۹۷). این مطلب در منابع دیگری نیز نقل شده است (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۹، ص ۳۶۸).

پیامبر (ص) همچنین فرمود: «خدایا، جعفر به سوی تو می‌آید در حالی که بزرگ‌ترین ثواب را به جا آورده است؛ پس در نسل او، بهترین بندگان خود را قرار بده» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۸). در نقلی دیگر، ابن سعد روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «جعفر را در شبی با دو بال آغشته به خون دیدم، در حالی که در میان گروهی از ملائکه با بال‌های سفید بود و از کنار من عبور کردند» (همان، ج ۴، ص ۲۹). مشابه این روایت در منابع حدیثی شیعه نیز آمده است (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۵۰).

ابن سعد همچنین روایتی نقل کرده است که پیامبر (ص) در خواب جعفر را در بهشت مشاهده کرد؛ فرشته‌ای که با بال‌های خون‌آلود پرواز می‌کرد. در ادامه، پیامبر (ص) فرمود: «زید را نیز در مرتبه‌ای پایین‌تر دیدم. گفتم: فکر نمی‌کردم زید با جعفر تفاوت داشته باشد. جبرئیل نازل شد و گفت: زید و جعفر از نظر مقام تفاوتی ندارند، اما به جعفر به‌خاطر خویشتاوندی‌اش با شما مقام برتری داده‌ایم» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۸).

درباره مقام جعفر در بهشت، منابع دیگری مانند کتاب سلیم بن قیس و خصال ابن بابویه نیز اخباری مشابه نقل کرده‌اند. در یکی از این روایات، پیامبر (ص) خطاب به امام علی (ع) فرمود: «برادرت را در بهشت دیدم که با ملائکه پرواز می‌کرد و دارای دو بال از یاقوت، در و زبرجد بود» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۷۹؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۵۷۵). همچنین در کمال‌الدین، پرواز جعفر با فرشتگان بدون اشاره به جنس بال‌ها نقل شده است (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴). شیخ طوسی در الأمالی نقل می‌کند که امام علی (ع) در خطبه‌ای خطاب به حاضرین فرمودند: «آیا در میان شما کسی مانند برادر من جعفر که در بهشت دارای دو بال آغشته به خون است، وجود دارد؟» حاضرین پاسخ دادند: «خیر» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۴).

با توجه به این نقل‌های متعدد، مسئله دو بال خونین و پرواز جعفر با فرشتگان جزو مسلمات روائی است که ابن سعد نیز با سایر منابع در این زمینه هم‌داستان است و اختلاف تنها در جزئیات دیده می‌شود.

ابن سعد درباره تکریم شهادت جعفر بن ابی طالب نقل می‌کند که *أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ*

می‌گوید: «هنگامی که جعفر به شهادت رسید، رسول خدا (ص) به منزل ایشان آمد و فرمود: سه روز عزاداری کنید، سپس هر کاری میل دارید انجام دهید» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۵). ابن اثیر نیز این روایت را در کتاب النهایه فی غریب الحدیث ذکر کرده است (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۷۸).

۶. نتیجه‌گیری

منابع متقدم تاریخی و حدیثی نزد محققان و نویسندگان همواره جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و بدون مراجعه به آن‌ها، پژوهش علمی عمیق و دقیق ممکن نیست. یکی از این منابع ارزشمند، الطبقات الکبری اثر ابن سعد است. این مؤلف برجسته با تلاش برای تدوین اخبار رسول خدا (ص)، صحابیان و تابعین، کوشیده است تصویری نزدیک به واقعیت از شخصیت‌ها و رخدادهای تاریخی ارائه دهد. در این اثر، ابن سعد به‌طور پراکنده و در حدود ۴۰ روایت، به بررسی هفت بُعد مختلف از شخصیت جعفر بن ابی طالب پرداخته است که عبارت‌اند از: نسب و تولد جعفر، سفر به حبشه، جایگاه او نزد رسول خدا (ص)، جنگ موته و شهادت جعفر، دعای رسول خدا (ص) برای او پس از شهادت، سجایای اخلاقی، و جایگاه اخروی او.

با وجود جامعیت مطالب ابن سعد درباره فضایل اخلاقی جعفر، برخی ابعاد مهم شخصیتی او از قلم افتاده است. برای مثال، ابن سعد به شجاعت و دلاوری جعفر در جنگ موته اشاره‌ای نکرده و نیز درباره شأن نزول آیه ۱۹ سوره حدید در رابطه با او، یا ماجرای «نماز جعفر طیار» و دفاع استوار وی از حقانیت اسلام در سفر حبشه، گزارشی ارائه نکرده است. این خلأها نشان می‌دهد که مؤلف در نقل برخی از وقایع مرتبط با حبشه یا شخصیت جعفر، اهتمام کافی نداشته است. علاوه بر این، مقایسه روایت‌های ابن سعد با منابع متأخر نشان از تطور محتوای این روایت‌ها در طول زمان دارد. برای نمونه، در طبقات کبری آمده است که «رسول خدا (ص) از خرمای خبیر سالانه پنجاه کیلوگرم به جعفر عطا می‌کرد»، در حالی که در امتاع الاسماع این روایت به شکلی دیگر آمده است: «رسول خدا (ص) برای جعفر و همراهانش سهمی در نظر گرفت.» چنین تفاوت‌هایی نشان‌دهنده سیر تطور روایات در منابع پسین است.

در خصوص فرماندهی جعفر در جنگ موته، ابن سعد روایت کرده که اولین فرمانده این نبرد زید بن حارثه بوده است و جعفر پس از شهادت او به فرماندهی رسید. اما در منابع دیگر مانند کتاب سلیم بن قیس و شرح الأخبار، رسول خدا (ص)، جعفر بن ابی طالب را به‌عنوان اولین

فرمانده این جنگ منصوب کرده است. این اختلاف روایات می‌تواند ناشی از نگرش‌های متفاوت فکری و سیاسی مؤلفان این آثار باشد. با بررسی روایات ابن سعد مشخص می‌شود که او ضمن ارائه تصویری روشن از ابعاد شخصیتی جعفر بن ابی طالب، رویکردی واقع‌گرا در تدوین این شخصیت داشته، اما در عین حال، محدودیت‌هایی مانند عدم ذکر برخی روایات یا نادیده‌گرفتن بُعد تاریخی ماجراها در اثر او مشهود است. از این رو، تحلیل تطبیقی آثار ابن سعد با منابع پسین، زمینه‌ساز درک بهتر از شخصیت جعفر و نقش او در تاریخ اسلام خواهد بود.

منابع

- ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ١٤٠٤ق، شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آية الله نجفى مرعشى.
- ابن اثير، على بن محمد، ١٤٠٩ق، أسد الغابة، بيروت، دارالفكر.
- ابن اثير، مجد الدين المبارك، ١٣٩٩ق، النهاية فى غريب الحديث والأثر، بيروت، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
- ابن بابويه، محمد بن على، ١٣٦٢ش، الخصال، قم، جامعه مدرسين.
- ابن بابويه، محمد بن على، بى تا، كمال الدين و اتمام النعمه، تهران، اسلاميه.
- ابن بطريق، يحيى بن حسن، ١٤٠٧ق، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، قم، مؤسسه نشر اسلامى.
- ابن حيون، نعمان بن محمد، بى تا، شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، جامعه مدرسين.
- ابن سعد، محمد بغدادى، ١٤١٠ق، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، بيروت، دارالجيل.
- ابن عتبه، احمد بن على، ١٤١٧ق، عمدة الطالب فى أنساب آل أبى طالب، قم، مؤسسه انصاريان.
- ابن طاووس، على بن موسى، ١٤١٣ق، اليقين باختصاص مولانا على عليه السلام بإمرة المؤمنين، قم، دارالكتاب.
- ابن طاووس، على بن موسى، بى تا، سعد السعود للنفوس منصود، قم، دارالذخائر.
- ابن عساكر، على بن حسن، ١٤١٥ق، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفكر.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، بى تا، البداية والنهاية، بيروت، دارالفكر.
- ابوالفرج اصفهاني، على بن حسين، ١٤١٩ق، مقاتل الطالبين، بيروت، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.
- امين، محسن، ١٤٠٣ق، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- بغدادى، محمد بن حبيب، بى تا، المحبّر، بيروت، دارالغد العربى.
- پيشوايى، مهدي، ١٣٩١ش، تاريخ اسلام، قم، دفتر نشر معارف.

- جعفریان، رسول، ١٣٩٣ش، منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان.
- جمعی از نویسندگان، ١٤١٧ق، موسوعه أقوال الإمام أحمد بن حنبل فی رجال الحدیث وعلله، بیروت، عالم الکتب.
- حمیری، ابن هشام، بی تا، السیره النبویه، قاهره، دارالمعرفه.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، ١٤٠٩ق، تاریخ الإسلام، بیروت، دارالکتب العربی.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، ١٣٨٢ق/١٩٦٣م، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- رازی، عبدالرحمن بن أبی حاتم، ١٢٧١ق، الجرح والتعديل، بیروت، دارالإحیاء العربی.
- سلیم بن قیس، هلالی، ١٤٠٥ق، کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ١٣٩٠ش، اعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، بی تا، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، بی ناشر.
- طوسی، محمد بن الحسن، ١٤١٤ق، الأمالی، قم، دارالثقافه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مقریزی، احمد بن علی، ١٤٢٠ق، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی.